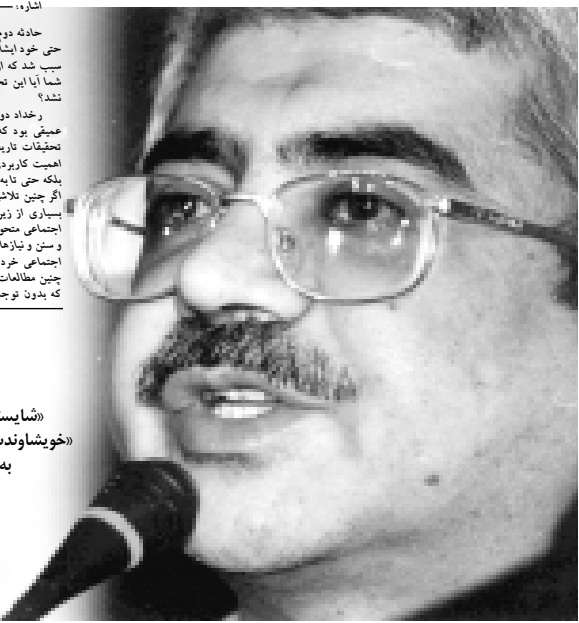


گفت اول

بنیان‌های اجتماعی و آینده جنبش اصلاحات در ایران در گفت و گو با عبدالله شهبازی

# «بورژوازی بروکراتیک»

# ایران امروز را تهدید می‌کند



شهبازی

اقدامات ما در آینده نیز چون گذشته باشد و مسکن است با تحولات عظیم و برق‌آسا و پیش‌بینی نشده مواجه شویم و البته به بهانهٔ بسیار گزاف برای رشد و حتی موجودیت کشور. باید توجه کنیم که در جهان امروز دانشی به نام آینده‌شناسی (Futurology) شکل گرفته که با پیشگویی‌های گذشته تفاوت ماهوی دارد و یک دانش واقعی و امروزی است. آینده‌شناسی به عنوان شاخهٔ مهندسی اجتماعی عمل می‌کند و کارکنان توانمند نتایجان فکری را، که در عرف جاری (تانک اندینشه Tank Think) نامیده می‌شوند، به چنان ابزارهایی مجهز می‌کند که بتوانند کم و بیش بر آینده تأثیر گذارند. دانش آینده‌شناسی می‌تواند هم در ساختن آینده‌ای بهتر و انسانی‌تر مورد استفاده قرار گیرد و هم به عنوان بیان نظری برنامه‌ریزی برای عملیات درسیه گامه عملی کند. به نظر می‌رسد مامعلی به نام «نوطه خاری» در این در همین چارچوب جنبش می‌شود و آنچه در عرف جاری در «نوطه خاری» به عنوان «نوطه» شناخته شده، بافتن و پارادوکس مطلق گزافانه و دوگانه‌ای «نوطه» و «نظم نوطه» و جدلات افرازان مربوطه و اثر آینده، می‌تواند به عنوان عرصه‌ای از رشد دانش و آگاهی انسانی و به مثابه تکاپوی گروهی از انسان‌ها برای تحقق اهداف و منافع‌شان شناخته شود. این تلاش از سوی طراحان آن به عنوان نوعی برنامه‌ریزی شناخته می‌شود و از سوی قربانیان آن به عنوان نوطه به گفت و گوی ما با استاد عبدالله شهبازی در این زمینه توجه فرمایید.

حادثه دوم خرداد ۱۳۷۶ به برای مخالفان آقای خامنه‌ی و هم برای طرفداران و حتی خود ایشان غریبال پیش‌بینی و غافلگیرکننده بود. و در واقع وقوع این حادثه سبب شد که از آن پس توجه به شناخت علل و ریشه‌های آن جلب شود. به نظر شما آیا این تحول واقعاً غریبال پیش‌بینی بود و اگر چنین نیست چرا پیش‌بینی رخداد دوم خرداد ظاهراً قابل پیش‌بینی بود زیرا پیامد دگرگونی اجتماعی عمیقی بود که در دو دهه پس از انقلاب شکل گرفت. ولی، هم به دلیل فقر تحقیقات تاریخی- اجتماعی و هم به دلیل عدم توجه مدیران سیاسی کشور به اهمیت کاربردی این گونه پژوهش‌ها، پدیده دوم خرداد ۱۳۷۶ نه تنها پیش‌بینی نشده، بلکه حتی تا به امروز نیز تلاش‌ناشسته و کافی برای تبیین آن صورت نگرفته است. اگر چنین تلاشی صورت می‌گرفت برای آینده بسیار ارزشمند بود زیرا می‌توانست بسیاری از زیرساخت‌ها و قالب‌های فکری واجد و کهنه را در نگاه به توسعه اجتماعی منحل کند و نظام سیاسی ایران را به سمت برنامه‌ریزی مبتنی بر فرهنگ و سن و نیازهای بومی، نه اقتباس و گزین برداری سطحی، و عمل متکی بر مهندسی اجتماعی خردمندانه سوق دهد و از تکرار بسیاری فاجعه‌ها جلوگیری کند. چون چنین مطالعات و برپس‌اندازی آینده‌شناسی صورت نمی‌گیرد، بنابراین طبیعت است بدون توجه به آن پدیده‌ها و عوامل اجتماعی که حادثه دوم خرداد را آفرید،

جمله می‌تواند به استقرار یگاریزی بنیامند. این حلقه بسته از نظر جامعه‌شناختی قابل شناسایی و تبیین است. بیان به‌طورمدهر شناسایی هستند که به دلیل مقصدات انقلاب در عین جوانی و کم‌تجربگی اهرام‌های مدیریت را به دست گرفتند ولی اکنون حاضر به انتقال این اهرام‌ها به نتایجان جدیدی نیستند که در ۱۳ سال اخیر به دانش و تجربه رسیده‌اند. این خواست چرخش و سیاست نتایجان در شمار «سیاست‌سالاری» انعکاس یافت. «سیاست‌سالاری» (Meritocracy) معمولاً در مقابل «خویشاوندسالاری» (Nepotism) به کار می‌رود و این دو واژه به دو گونه متضاد از مدیریت اطلاق می‌گردد.

### «سیاست‌سالاری» (Meritocracy) معمولاً در مقابل «خویشاوندسالاری» (Nepotism) به کار می‌رود و این دو واژه به دو گونه متضاد از مدیریت اطلاق می‌گردد

فرهنگ ما در این زمینه بسیار غنی است. زمانیکه سعدی می‌گوید: روستازگان دانشمند به وزیر پادشاهند پسران وزیر ناقص عقل به گدایی به روستا رفتند اشاره به همین سیاست‌سالاری و نفی رویه‌های یگاریشک و نپوتیستی است. پادشاهان انقلاب اسلامی زمانی که از «حکومت صالحان» سخن می‌رفت همین معنوم مراد بود. جوهره این واژه، با تعبیر مختلف، همیشه در فرهنگ سیاسی ما وجود داشته و به عنوان یک فضیلت شناخته می‌شد. بنده واژه «سیاست‌سالاری» را با ارجاع به همین مفهوم و به عنوان معادل نپوتیسمی و «خویشاوندسالاری» را به جای نپوتیسم انگلیسی ساخته و در نوشته‌های خود به کار بردم. قبلاً بهترین معادلی که در مقابل نپوتیسمی وجود داشت قابلیت‌سالاری یا فضیلت‌سالاری بود و به عنوان «خویشاوندسالاری» و خویشاوندسالاری یا فامیل‌گرای می‌نامیدند. این واژه‌های دیگری هم مستخدم مانند «پارتنریسم» یا «Genealogy» یا «Genealogical» می‌باشد. قبلاً به اولی «علم‌الاسباب» و دومی «خویشاوندسالاری» گفته می‌شد. «پارتنریسم» امروزه به معنای تبیین نظریه فکری وجود یافته، «وسالاری» و «سیاست‌سالاری» به جای نپوتیسمی است و آینده‌شناسی و «رواهات» یا اصلاحات دیگر، «گسست‌شناسی» را نیز این بار من در نوشته‌هایم به کار برده‌ام.

تمامی این پدیده‌ها بر جامعه ایرانی تأثیرات عمیق بر جای نهاد. اقدامات عمرانی بعد از انقلاب بسیاری از روستاهای کشور را در زیر پوشش شبکه برق قرار داد و علاوه بر جامعه شهری برای بخش مهمی از جامعه روستایی نیز امکان ارادامه ساختن ادارات و مراکز ارتباطی جدید بهره‌بردار توجیه کنیم که در سال ۱۳۷۵ از جمع ۱۳ میلیون خانوار کشور تنها اندکی بیش از یک میلیون خانوار فاقد تلفن بودند. این رقم قطعاً امروز کمتر شده است. اگر شما این انقلاب ارتباطات و خدمات اجتماعی و بنده می‌تواند چه تحولات ساختاری جامعه ایران تصافه کنید. مردم باید به این عامل می‌تواند چه پیامدهای عمیق فرهنگی داشته باشد.

بحث من دربارهٔ عمل اجتماعی سرچشمهٔ شایسته‌سالاری بود. گفتیم که در زمان در برابر گزاف به دست‌نشانده نتایجان و تمایل ایشان به رویه‌های نپوتیستی روزگرم نپوتیسم فقط به معنی اعطای امتیازات و مناصب به اعضای فامیل نیست بلکه منظور آن رویه‌ای است که برخلاف سیاست‌سالاری، خویشاوند و دوستان و محارب را بر افراد شایسته‌تر ترجیح می‌دهد. در بنیاد این رویه در بهترین حالت، عنصری صوری است و این نتایجان جامعه قرار دارد. تحول فکرم در دوره بعد از انقلاب ظهورست. جنبه‌ای از این نتایجان سیاسی یافته است که در دوره طلایی سیاست و به همدست، عرصه تبلیغ و پارو و تفریحی رسیده و مدعی مدیریت جامعه بوده و هستند. این ظهور نتایجان جدید در این دوران پدیدهٔ تازه‌ای است و در همه جای دنیا رخ فکری وجود یافته. «وسالاری» به جای نپوتیسمی است که می‌تواند آن را به معنای تبدیل کند یا به یک امکان برای رشد و اعتدالی جامعه و جوانی و پویایی اجتماعی سیاسی آن. اگر ساختار سیاسی جامعه از چنان انتظاری برخوردار باشد که گردش سیال نتایجان را امکان‌پذیر سازد، این تحول می‌تواند به شکل متناوب و به تعدیل حیات و نوازیی جامعه انجامد و اجزای «مدیران و نتایجان حاکم و شادمانی و شرفیالی جامعه را تسبیح آورد.

اقدامات پس از انقلاب (گسترش وسیع جاده‌ها، توسعه شبکه برق و ارتباطات و سایر خدمات رفاهی در مناطق غیرشهری) بیش‌تر مهمی از جمعیت ۲۳۳ میلیون روستایی و عشایری کشور در سال ۱۳۷۵ از نظر فرهنگی عموماً شهری شده بود و خواست‌ها و توقعات مشابه جامعه شهرنشین داشت. بدینسان، در فاصله دو دهه ایران از یک جامعه شهری نهمی به جامعه‌ای ظهور عظمی شهری بدل شد. این تحول بسیار سریع رخ داد و به دلیل ایجاد ناظرها و جاچایی‌ها و مهاجرت‌های مدام و وسیع، ضمانت و تعادل ساختاری راه که از لوازم مهم توسعه اجتماعی است، از جامعه سلب نمود.

در صورتی که در این دوران سیاست‌سالاری به معنای تبدیل نتایجان به اعضای فامیل نیست بلکه منظور آن رویه‌ای است که برخلاف سیاست‌سالاری، خویشاوند و دوستان و محارب را بر افراد شایسته‌تر ترجیح می‌دهد.

اقدامات پس از انقلاب (گسترش وسیع جاده‌ها، توسعه شبکه برق و ارتباطات و سایر خدمات رفاهی در مناطق غیرشهری) بیش‌تر مهمی از جمعیت ۲۳۳ میلیون روستایی و عشایری کشور در سال ۱۳۷۵ از نظر فرهنگی عموماً شهری شده بود و خواست‌ها و توقعات مشابه جامعه شهرنشین داشت. بدینسان، در فاصله دو دهه ایران از یک جامعه شهری نهمی به جامعه‌ای ظهور عظمی شهری بدل شد. این تحول بسیار سریع رخ داد و به دلیل ایجاد ناظرها و جاچایی‌ها و مهاجرت‌های مدام و وسیع، ضمانت و تعادل ساختاری راه که از لوازم مهم توسعه اجتماعی است، از جامعه سلب نمود.

سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی دو دهه اول بعد از انقلاب اسلامی به بهبود مالی و رفاهی بخش وسیعی دست یافتند و شهری و روستایی طبقه متوسط و اجرام کوچک شهری از جامعه به افراز معزرف انجمنیه، معیاش، آرا درانه، به نظر من فشار و تبعیض برای مشاهده هرچ‌ومج و سوءاستفاده در توزیع ثروت و فقدان امکانات برای اقدار تحصیل کرده جامعه هم نقش مهمی در این نارضایتی از وضع موجود داشت.

اگر اصل سیاست نتایجان اجرا نشود چرخش مشاغل مهم در درون یک حلقه بسته دو سه هزار نفره تداوم خواهد یافت و جامعه را با افراد پدیده تصلب در ساختار مدیریت مواجه خواهد کرد

سیاست‌های اقتصادی - اجتماعی دو دهه اول بعد از انقلاب اسلامی به بهبود مالی و رفاهی بخش وسیعی دست یافتند و شهری و روستایی طبقه متوسط و اجرام کوچک شهری از جامعه به افراز معزرف انجمنیه، معیاش، آرا درانه، به نظر من فشار و تبعیض برای مشاهده هرچ‌ومج و سوءاستفاده در توزیع ثروت و فقدان امکانات برای اقدار تحصیل کرده جامعه هم نقش مهمی در این نارضایتی از وضع موجود داشت.

اگر اصل سیاست نتایجان اجرا نشود چرخش مشاغل مهم در درون یک حلقه بسته دو سه هزار نفره تداوم خواهد یافت و جامعه را با افراد پدیده تصلب در ساختار مدیریت مواجه خواهد کرد

اگر اصل سیاست نتایجان اجرا نشود چرخش مشاغل مهم در درون یک حلقه بسته دو سه هزار نفره تداوم خواهد یافت و جامعه را با پدیده تصلب در ساختار مدیریت مواجه خواهد کرد. این تصلب خطرات بزرگی دارد و در غرب هنگامی که یک مدیر سیاسی زمایش به پایان می‌رسد، موقتاً یا غیرموقتاً، اگر شخصیت برجسته‌ای باشد او را در نهاد خاصی به نام مجلس سنا جای می‌دهند یا در راس کمیته‌های می‌گذارند و توانمند او را به سمت فعالیت‌های اقتصادی سوس می‌دهند. کلوب‌ها و لابی‌های متعدد و متفکری نیز وجود دارد که متخصی این گونه افراد است. نظام جمهوری اسلامی به دلیل جوان بودن، اولین بار است که این معضله را تجربه می‌کند و هنوز کم‌نیامی‌تواند جایگزینی برای نتایجان و نهادهای مربوطه را ایجاد کرده و راه‌هایی به کارگیری مدیرانی که زمان‌شان به پایان رسیده را نشانده است. اگر اصل سیاست نتایجان اجرا نشود چرخش مشاغل مهم در درون یک حلقه بسته دو سه هزار نفره تداوم خواهد یافت و جامعه را با پدیده تصلب در ساختار مدیریت مواجه خواهد کرد. این تصلب خطرات بزرگی دارد و در غرب هنگامی که یک مدیر سیاسی زمایش به پایان می‌رسد، موقتاً یا غیرموقتاً، اگر شخصیت برجسته‌ای باشد او را در نهاد خاصی به نام مجلس سنا جای می‌دهند یا در راس کمیته‌های می‌گذارند و توانمند او را به سمت فعالیت‌های اقتصادی سوس می‌دهند. کلوب‌ها و لابی‌های متعدد و متفکری نیز وجود دارد که متخصی این گونه افراد است. نظام جمهوری اسلامی به دلیل جوان بودن، اولین بار است که این معضله را تجربه می‌کند و هنوز کم‌نیامی‌تواند جایگزینی برای نتایجان و نهادهای مربوطه را ایجاد کرده و راه‌هایی به کارگیری مدیرانی که زمان‌شان به پایان رسیده را نشانده است.

اگر اصل سیاست نتایجان اجرا نشود چرخش مشاغل مهم در درون یک حلقه بسته دو سه هزار نفره تداوم خواهد یافت و جامعه را با پدیده تصلب در ساختار مدیریت مواجه خواهد کرد. این تصلب خطرات بزرگی دارد و در غرب هنگامی که یک مدیر سیاسی زمایش به پایان می‌رسد، موقتاً یا غیرموقتاً، اگر شخصیت برجسته‌ای باشد او را در نهاد خاصی به نام مجلس سنا جای می‌دهند یا در راس کمیته‌های می‌گذارند و توانمند او را به سمت فعالیت‌های اقتصادی سوس می‌دهند. کلوب‌ها و لابی‌های متعدد و متفکری نیز وجود دارد که متخصی این گونه افراد است. نظام جمهوری اسلامی به دلیل جوان بودن، اولین بار است که این معضله را تجربه می‌کند و هنوز کم‌نیامی‌تواند جایگزینی برای نتایجان و نهادهای مربوطه را ایجاد کرده و راه‌هایی به کارگیری مدیرانی که زمان‌شان به پایان رسیده را نشانده است.

اقدامات پس از انقلاب (گسترش وسیع جاده‌ها، توسعه شبکه برق و ارتباطات و سایر خدمات رفاهی در مناطق غیرشهری) بیش‌تر مهمی از جمعیت ۲۳۳ میلیون روستایی و عشایری کشور در سال ۱۳۷۵ از نظر فرهنگی عموماً شهری شده بود و خواست‌ها و توقعات مشابه جامعه شهرنشین داشت. بدینسان، در فاصله دو دهه ایران از یک جامعه شهری نهمی به جامعه‌ای ظهور عظمی شهری بدل شد. این تحول بسیار سریع رخ داد و به دلیل ایجاد ناظرها و جاچایی‌ها و مهاجرت‌های مدام و وسیع، ضمانت و تعادل ساختاری راه که از لوازم مهم توسعه اجتماعی است، از جامعه سلب نمود.

اقدامات پس از انقلاب (گسترش وسیع جاده‌ها، توسعه شبکه برق و ارتباطات و سایر خدمات رفاهی در مناطق غیرشهری) بیش‌تر مهمی از جمعیت ۲۳۳ میلیون روستایی و عشایری کشور در سال ۱۳۷۵ از نظر فرهنگی عموماً شهری شده بود و خواست‌ها و توقعات مشابه جامعه شهرنشین داشت. بدینسان، در فاصله دو دهه ایران از یک جامعه شهری نهمی به جامعه‌ای ظهور عظمی شهری بدل شد. این تحول بسیار سریع رخ داد و به دلیل ایجاد ناظرها و جاچایی‌ها و مهاجرت‌های مدام و وسیع، ضمانت و تعادل ساختاری راه که از لوازم مهم توسعه اجتماعی است، از جامعه سلب نمود.

اقدامات پس از انقلاب (گسترش وسیع جاده‌ها، توسعه شبکه برق و ارتباطات و سایر خدمات رفاهی در مناطق غیرشهری) بیش‌تر مهمی از جمعیت ۲۳۳ میلیون روستایی و عشایری کشور در سال ۱۳۷۵ از نظر فرهنگی عموماً شهری شده بود و خواست‌ها و توقعات مشابه جامعه شهرنشین داشت. بدینسان، در فاصله دو دهه ایران از یک جامعه شهری نهمی به جامعه‌ای ظهور عظمی شهری بدل شد. این تحول بسیار سریع رخ داد و به دلیل ایجاد ناظرها و جاچایی‌ها و مهاجرت‌های مدام و وسیع، ضمانت و تعادل ساختاری راه که از لوازم مهم توسعه اجتماعی است، از جامعه سلب نمود.

اقدامات پس از انقلاب (گسترش وسیع جاده‌ها، توسعه شبکه برق و ارتباطات و سایر خدمات رفاهی در مناطق غیرشهری) بیش‌تر مهمی از جمعیت ۲۳۳ میلیون روستایی و عشایری کشور در سال ۱۳۷۵ از نظر فرهنگی عموماً شهری شده بود و خواست‌ها و توقعات مشابه جامعه شهرنشین داشت. بدینسان، در فاصله دو دهه ایران از یک جامعه شهری نهمی به جامعه‌ای ظهور عظمی شهری بدل شد. این تحول بسیار سریع رخ داد و به دلیل ایجاد ناظرها و جاچایی‌ها و مهاجرت‌های مدام و وسیع، ضمانت و تعادل ساختاری راه که از لوازم مهم توسعه اجتماعی است، از جامعه سلب نمود.

اقدامات پس از انقلاب (گسترش وسیع جاده‌ها، توسعه شبکه برق و ارتباطات و سایر خدمات رفاهی در مناطق غیرشهری) بیش‌تر مهمی از جمعیت ۲۳۳ میلیون روستایی و عشایری کشور در سال ۱۳۷۵ از نظر فرهنگی عموماً شهری شده بود و خواست‌ها و توقعات مشابه جامعه شهرنشین داشت. بدینسان، در فاصله دو دهه ایران از یک جامعه شهری نهمی به جامعه‌ای ظهور عظمی شهری بدل شد. این تحول بسیار سریع رخ داد و به دلیل ایجاد ناظرها و جاچایی‌ها و مهاجرت‌های مدام و وسیع، ضمانت و تعادل ساختاری راه که از لوازم مهم توسعه اجتماعی است، از جامعه سلب نمود.

اقدامات پس از انقلاب (گسترش وسیع جاده‌ها، توسعه شبکه برق و ارتباطات و سایر خدمات رفاهی در مناطق غیرشهری) بیش‌تر مهمی از جمعیت ۲۳۳ میلیون روستایی و عشایری کشور در سال ۱۳۷۵ از نظر فرهنگی عموماً شهری شده بود و خواست‌ها و توقعات مشابه جامعه شهرنشین داشت. بدینسان، در فاصله دو دهه ایران از یک جامعه شهری نهمی به جامعه‌ای ظهور عظمی شهری بدل شد. این تحول بسیار سریع رخ داد و به دلیل ایجاد ناظرها و جاچایی‌ها و مهاجرت‌های مدام و وسیع، ضمانت و تعادل ساختاری راه که از لوازم مهم توسعه اجتماعی است، از جامعه سلب نمود.